ادامه از صفحه اول

کدام نظارت بر وکلا؟

۴. کانون وکلا اگر مستقل باشد، می‌تواند پشتیبان حقوق شهروندی باشد؛ در غیر این شرایط، وکیل مستقل تاب‌آوری ندارد؛ چون در مصاف قاضی باید هم خود و هم موکلش را تابع سلسله‌مراتب کند. چهره وکیلی که جلوی تخلف قاضی مستنکف از قانون یا مقابل سوءاستفاده از قدرت توسط ضابط می‌ایستد، مخلوقی قانونی است که نهاد وکالت را با اصرار و به هدف مشخص مستقل از ساختار سیستماتیک، «مدنی» چیدمان کرده است. برای همین سالگرد تصمیم به استقلال کانون‌های وکلا از دادگستری جشن گرفته می‌شود؛ برای اینکه یک گام توسعه‌مند دهه‌ها پیش کانون را از نهاد قدرت منتزع کرد تا با اتکا به مدنی‌بودن و مستقل‌بودن، در دفاع از حقوق مردم تجهیز قانونی شود. این نکته اصلی است که سوغات پیشرو مشروطه بوده و میراث امروز تحول‌خواهان و حامیان حقوق شهروندی تا به امروز است. مسئولان کشور هر قدر به حقوق شهروندی باورمندتر باشند، این استقلال را ارجمندتر می‌دارند و هر قدر علقه کمتر باشد، به نحیف‌سازی و تخفیف استقلال روی آورده می‌شود.

۵. به این اعتبار، نظارت هم تابع غایات مقنن است. مقام عمومی اجازه ندارد دل‌بخواهی نظارت کند. «لایحه استقلال کانون وکلا» از سال ۱۳۳۳ سازوکار نظارت را با وسواس دقیقی تبیین کرده و هرگونه مداخله فراقانونی را که منتهی به نقض استقلال نهاد وکالت شود، اخلال در روند دسترسی به دادگستری شایسته و مغایر موازین دادرسی منصفانه دانسته و «قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶» نیز همین وسواس را در غایت مقنن حفظ کرده است.

۶. همان‌قدر که نظارت فسادستیز برای وکالت سالم و حرفه‌ای لازم است، به همان میزان استقلال کانون‌های وکلای مدنی، موضوعیت، طریقت، ارجحیت و اهمیت دارد. طرفه آنکه در شاخص‌های ارزیابی سلامت و تحقق‌پذیری عدالت قضائی، مرکز پژوهش‌های قوه قضا به استقلال کانون‌های وکلا به‌مثابه یک نماگر جهانی شناخته‌شده، توجه ویژه‌ای مبذول می‌شود. رواست در عمل اهمیت درخور توجهی داشته و استقلال نهاد وکالت هرگز تهدید، تحدید، تخصیص، تخدیش و تحریف نشود.

۷. آخرین سند منتشرشده ریاست محترم قوه قضا، «سند امنیت قضائی» است. در این سند تقریر شده: «حقوق اشخاص ایمن نخواهد بود، مگر آنکه به هنگام تعدی به آن، نظام قضائی شایسته، مستقل و قانون‌محور برای دادخواهی و احقاق حق حضور داشته باشد». مقدمه واجب این آرمان مطلوب چیست؟ دستگاه قضا آن‌گاه توانا به استیفای حقوق عامه است که خود منقاد قانون باشد و در چارچوب صلاحیت قانونی رفتار کند. الزامات دادرسی منصفانه، نظارت بر عملکرد وکلا از طریق مجاری قانونی است. پایبندی به اصل حاکمیت قانون، صلاحیت تعیینی ذیل تقید به اصل استقلال نهاد وکالت از الزامات بنیادین دستیابی به امنیت قضائی است. نظارت در قلمرو صلاحیت قانونی، صرفا از مجرای خود کانون وکلای مستقل و مدنی و دادگاه‌های انتظامی محقق می‌شود.

۸. با این پیشینه، تأسیس اداره نظارت بر رفتار وکلا، نقض بند ب ماده ۶ لایحه استقلال و کشف یک اراده جایگزین قانون است که این تسری صلاحیت استثنائی و موردی-نوبه‌ای افاده به نظارت رویه‌ای نهادی نمی‌کند. کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای «مستقل و دارای شخصیت حقوقی متمایز از قوه قضا» است.

۹. ظرفیت‌های قانونی نظارت قوه قضائیه بر وکلا و کانون‌های وکلا تعیین شده است و نمی‌توان به استناد اصل ۱۵۶ قانون اساسی، نظارت بر حسن اجرای قوانین در کشور را به یک نظارت بی‌قید با عبور از مجاری قانونی تعیین‌شده قلمداد کرد. بند ج ماده ۶ این لایحه قانونی، رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلا و کارگشایان دادگستری به وسیله دادسرای دادگاه انتظامی وکلا را به‌مثابه خودنظارتی ترسیم کرده که ضامن استقلال نهادی است. همان‌طور که قضات از نظارت سلسله‌مراتب اداری باید مستقل باشند تا استقلال قاضی، تضمین دادرسی منصفانه و بی‌طرفانه تلقی شود، استقلال وکلا نیز باید مطمح نظر باشد.

۱۰. فعال‌سازی نظارتی قوه می‌تواند با اعلام فساد و تخلف مستمر و رصد وکلا، آن هم از مجرای معین باشد. ماده ۱۴ این لایحه تعیین مشی و تبیین حدود کرده که رسیدگی به تخلفات وکلای دادگستری از مجرای دادگاه انتظامی وکلا بوده و مرجع تجدیدنظر را دادگاه عالی انتظامی قضات قرار داده است. این سازوکار نظارت قضائی مجرای معین و صلاحیت تعیینی و تخصصی مشخص دارد و با صلاحیت اختیاری یا گزینشی مغایر است. باید به غایت مقنن توجه شود که اگر در ماده ۱۷ اشعار می‌دارد هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع کرد مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی، این سیاق تقنین از باب مراعات استقلال نهاد وکالت است و اینکه تضمینی برای وکیل باشرافت و آزاده باشد که در سبیل دفاع از موکل گاه با صاحبان قدرت مواجهه می‌کند و از بارگاه حکومت قانون متعرض هر قانون‌شکن و آزادی‌ستیز نافی حقوق شهروندی می‌شود. حتما نظارت دقیق، جدی، فسادستیز و قاطع لازم است؛ اما از مجرای حساب‌شده خودش و بدون خدشه بر استقلال نهاد وکالت. با حفظ استقلال نهاد مدنی متکفل حق دفاع مردم، احیاگر حقوق عامه و مدافع حقوق شهروندان باشیم.

یک سال از درگذشت اعظم طالقانی گذشت

وفادار به راه پدر

عکس: علیرضا رمضانی، جماران

علی شاملو: هشتم آبان مصادف است با اولین سالگرد درگذشت بانوی بافضیلت، دانشمند و مجاهد خستگی‌ناپذیر «اعظم علایی‌طالقانی» که از مبارزان نسل اول انقلاب، نماینده دوره اول مجلس، دبیرکل جامعه زنان انقلاب اسلامی و مدیرمسئول نشریه توقیف‌شده «پیام هاجر» و نشریه «پیام ابراهیم» بوده است. او می‌توانست نخستین رئیس‌جمهور زن ایران باشد و برای تفسیر اصل ۱۱۵ بارها نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شد. جای پای تلاش‌های بی‌وقفه بانو اعظم طالقانی، نه‌فقط به دلیل اینکه فرزند مبارزی خستگی‌ناپذیر مانند آیت‌الله سیدمحمود طالقانی بوده؛ بلکه به خاطر خدمات شایان، انکارناپذیر و تأثیرگذارش در عرصه‌های فرهنگی نشر و قلم بدون‌شک روشنگر راه نسل‌هایی خواهد بود که سازندگان ایران فردای ما هستند. او در مکتب پدر درس مبارزه به دور از خشونت و نیز احترام به کرامت انسانی توأم با فرهیختگی نواندیشانه را آموخت. به مناسبت سالگرد درگذشتش با «فائزه هاشمی‌رفسنجانی» نماینده دوره پنجم مجلس، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران و فعال زنان، «زهرا شجاعی» مشاور امور زنان ریاست‌جمهوری در دولت اصلاحات و دبیرکل مجمع زنان اصلاح‌طلب، «فاطمه چهپور» همسر محمدرضا علایی‌طالقانی، «عاطفه علایی‌طالقانی» فرزند او و «طیبه علایی‌طالقانی» خواهرش درباره شخصیت و جایگاه این بانوی فرهیخته به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

فائزه هاشمی: نمی‌شود از ریاست‌جمهوری زنان حرف زد و از او یادی نکرد

کدام‌یک از این عناوین به خصوصیات و دیدگاه‌های شما درباره اعظم طالقانی نزدیک‌تر است؟ معلم، مبارز آزادی‌خواه، مدافع حقوق زنان، فرزند آیت‌الله طالقانی، فعال روشنفکر؟

دیدگاه من اهمیتی ندارد. شخصیت او مهم است که در مورد آن می‌توان بسیار سخن گفت. برای اعتقاداتی که برایش مبارزه می‌کرد؛ در زمان شاه به زندان افتاد، شکنجه شد، خود و خانواده‌اش آسیب دیدند. بعد از انقلاب نیز، پایبند اصولی بود که همین امر او را برجسته کرد. تاکنون کمتر چنین افرادی بوده‌اند که به دلیل باورهای‌شان از قدرت، ثروت، حکومت و... چشم‌پوشی کنند، یعنی بتوانند در قدرت قرار گیرند ولی اولویت دیگری داشته باشند. طالقانی مانند سایر شخصیت‌های ملی - مذهبی این ویژگی‌ها را داشت. او دارای پشتکار و سختکوش بود. ثبت‌نام در انتخابات متعدد ریاست‌جمهوری، ازجمله مصادیق این ویژگی‌هاست.

نمی‌شود از ریاست‌جمهوری زنان حرف زد و از او یادی نکرد. طالقانی در هر دوره ریاست‌جمهوری، ثبت‌نام می‌کرد نه برای اینکه رئیس‌جمهور شود، بلکه شورای نگهبان را به تفسیر درست، واقعی و طبق وظیفه قانونی‌اش در اصل ۱۱۵ قانون اساسی برای کلمه رجل سیاسی برساند. او در کنار فعالیت‌هایش خانواده را فراموش نکرد. همراهی‌ای که با خانواده داشت باید دیده شود. یکی از فرزندانش به رسیدگی بیشتری نیاز داشت، این توجه را با وجود همه سختی‌ها و شرایط خودش از او دریغ نکرد.

نظر شما در مورد کاندیداشدن ایشان و دیگر زنان جامعه برای ریاست‌جمهوری چیست؟

حول و حوش انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ بود که پدر گفت در مجلس خبرگان قانون اساسی منظور از قراردادن کلمه «رجل سیاسی» مردان نبوده است، بلکه رجل سیاسی به معنای «شخصیت سیاسی» به کار رفته است، بنابراین زنان نیز می‌توانند کاندیدای ریاست‌جمهوری باشند. پدر همیشه خانم‌ها را تشویق به فعالیت‌های علمی، اجتماعی و سیاسی می‌کرد و اینکه خودشان باید از هم حمایت کنند و دنبال حقوق‌شان باشند. پدر حتی بحث سهمیه برای حضور زنان در مجلس را در تدوین سیاست‌های کلان انتخابات در مجمع مطرح کرد، اگرچه رأی نیاورد و این امر در آنجا به سرانجامی نرسید.

ارتباط اعظم طالقانی با پدرتان چگونه بود؟

دیدارهای زیادی داشتند، اعظم خانم به مناسبت‌های مختلف همراه خواهر، برادرها و خانواده‌اش به خانه پدر می‌آمد و تا جایی هم که به خاطر دارم این دیدارها برای دو طرف همراه با شادی و شعف بود، او در این دیدارها هم از نقد، بیان مشکلات، یادآوری و پافشاری بر اصول انقلاب دست‌بردار نبود.

نظرتان در مورد انتخابات ۱۴۰۰ و حضور زنان در آن چیست؟

بعد از فوت اعظم طالقانی، یکی از خانم‌ها پیشنهاد داد که به یادش، در انتخابات پیش‌رو «جنبش ثبت‌نام زنان در انتخابات» راه‌اندازی شود، من هم در یکی از مصاحبه‌هایم این موضوع را اعلام کردم. تأیید کاندیداتوری زنان در انتخابات ریاست‌جمهوری، نیاز به قانون ندارد و برعکس، طرح برخی نمایندگان در مورد انتخابات ریاست‌جمهوری، در صورت تصویب مانع حضور زنان است.

این طرح را که نمی‌دانم به کجا رسید، کاندیدابودن خانم‌ها را در انتخابات ریاست‌جمهوری کامل لغو می‌کرد زیرا این طرح بندی داشت که کارت پایان خدمت یا معافیت، از ویژگی کاندیداها بود و در آن «برای مردان» قید نشده بود. این بند طوری است که انگار فقط مردان می‌توانند کاندیدا شوند و نیاز به گذراندن خدمت سربازی یا معافیت از آن ضروری بود و حضور زنان را به صورت غیرمستقیم رد می‌کرد. برای تفسیر قانون، شورای نگهبان می‌تواند فی‌البداهه این کار را انجام دهد، رئیس‌جمهور و رئیس مجلس نیز می‌توانند تقاضا کرده و این امر را دنبال کنند.

فراموش نکنیم که به‌رسمیت‌شناختن حق طبیعی و بدیهی زنان برای کاندیداشدن در انتخابات ریاست‌جمهوری یک چیز است، داشتن کاندیدای زن در انتخابات یک چیز و داشتن رئیس‌جمهور زن چیز دیگر. موردی که درحال‌حاضر مد نظر است اولی است. اگر این قضیه فراجناحی دنبال شود، جدا از اینکه اصلاح‌طلب یا اصولگرا هستیم، امکان بیشتری برای به‌نتیجه‌رسیدن خواهد داشت. امروزه زنان زیادی شرایط «رجل سیاسی» را دارند، ازجمله معصومه ابتکار، وحیددستجردی و خانم‌هایی که چندین دوره نماینده مجلس بوده‌اند، خانم‌هایی که درحال‌حاضر معاون وزیر هستند و خانم‌هایی که سابقه کار اجرائی در سطح عالی را داشته‌اند یا دارند.

زهرا شجاعی: اعظم طالقانی، پیامش را به گوش نسل جدید رساند

فکر می‌کنید دیدگاه‌ها و تلاش‌های اعظم طالقانی در جامعه اثری داشته باشد؟

او، پیامش را به‌عنوان هاجر زمان خود، به گوش نسل جدید که نیازمند چهره حقیقت، شناخت اسطوره‌ها و الگوهای معاصر مسلمان ماست، به‌خوبی رسانده است. مسئله مهم، شناخت انسان‌های بزرگی است که در عصر معاصر و امروز زندگی کرده و می‌کنند. اینکه در زمان حال با انسان‌های بزرگی مانند طالقانی، زنان و مردان بزرگ دیگر بوده و هستیم، سبب شده است با توجه به روحیاتی که داریم بعد از ازدست‌دادن این دسته از افراد، به شناخت و معرفت عمیق‌تری از آنها پی ببریم.

در واقع جایگاه و منزلت اشخاص بزرگ، رجال سیاسی و مذهبی دوره خودمان را به‌خوبی نمی‌شناسیم و از وجودشان بهره کافی نمی‌بریم. این موضوع برای زنان مضاعف می‌شود؛ چراکه بر تاریخ مذکر ما، تفکر مردسالارانه حاکم است. قلم‌به‌دستان تاریخ نیز مردان بوده‌اند. همین موارد سبب شده است کمتر به تبیین و بررسی شخصیت زنان برجسته کشور بپردازند.

کتاب‌ها، نشریه‌ها و دایره‌المعارف‌ها نیز نشان می‌دهد زنان نقش کمتری در آنها داشته‌اند و معدود نوشته‌هایی یافت می‌شوند که زنان در اولویت بوده‌اند، اما هنگامی که به همین معدود نوشته‌ها در کتب، نشریه‌ها و دایره‌المعارف‌ها نگاهی می‌اندازیم، متوجه وجود زنانی در ایران می‌شویم که شناخته نشدند و از معرفی آنها بی‌بهره بوده‌ایم. یکی از این اشخاص برجسته، اعظم طالقانی است که با وجود داشتن شخصیت سیاسی و فعالیت‌های مختلف، آن‌طورکه باید در دوران زندگی‌اش شناخته نشد. به اعتقاد ما اصلاح‌طلبان، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اصلاح‌طلبی، امر تدریج است. تفاوت اصلاح و انقلاب در این است که انقلاب یک دگرگونی سریع را به وجود می‌آورد؛ اما اصلاح به زمان و تدریج نیاز دارد. با این انتظار که یک فرد با تلاش بتواند مسائل و مشکلات مربوط به حوزه فعالیت خود را حل کند یا راه‌گشای آن باشد، تفسیرش به صورت علنی و آشکار است. اگر تاریخ را هزارساله و مسیر کاروان بشر را طولانی بدانیم، یک مقطع کوتاه چقدر می‌تواند تأثیر بگذارد و باید در مقایسه با دوره قبل از آن در نظر گرفت؛ بنابراین می‌توان گفت تلاش‌ها و اقدامات متوقع، متکبر و زمان‌شناسانه، از دید چندوجهی طالقانی و به طور قطع در جریان فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی دیگران تأثیرگذار بوده است که در آینده تأثیرات آن بیشتر مورد توجه قرار خواهد گرفت.

دیدگاه‌های شما چقدر به ایشان نزدیک است؟

خاستگاه و خانواده مذهبی و البته در کنار پدرش مطالعات مذهبی و باورهای دینی داشت، ازاین‌رو دیدگاهش به من نزدیک بود. ویژگی مشخص و بارز طالقانی این بود که به مبانی، اصول، پایه‌های اعتقادی و باورهای مذهبی به‌شدت پایبند بود؛ ولی این باعث نشد که راهش سنتی، محدود و متحجر باشد. به تحولات زمان، مکان، مسائل جهان و روز توجه می‌کرد. ما در حوزه فعالیت زنان دچار افراط و تفریط هستیم. بعضی نگاه سنت‌گرایانه به حوزه زنان دارند که هیچ‌گونه تحول و نوآوری و نواندیشی را در امور زنان برنمی‌تابد. برخی هم به مسائل اجتماعی و جامعه توجه می‌کنند و اصول و مبانی را نادیده می‌انگارند. اعظم طالقانی از آن دسته زنانی بود که به اصول و مبانی تحولات اجتماعی و تغییراتی که در مسائل امروز به وجود آمده و همچنین نیازها و مطالبات نسل جدید جامعه توجه داشت.

پیشنهاد شما در فقدان او و در پیگیری مطالبات مسائل زنان چیست؟

یکی از ویژگی‌های مهم او، تنوع در فعالیت‌هایش بود. یک نشریه به نام «هاجر» تنظیم کرد و با زحمت و چنگ و دندان آن را به چاپ می‌رساند. اگر فعالیت‌های مختلف او را در حوزه‌های گوناگون در نظر بگیریم، ریل‌گذاری را برای یک جامعه با فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان، مد نظر داشت. اگر همین فعالیت‌ها ادامه پیدا کند، باعث جذب مخاطبان جوان‌تر می‌شود. وقتی در تشییع جنازه او شرکت کردم، میانگین افرادی که در آن شرکت کرده بودند، بالای ۴۰ سال بود، خیلی افسوس داشت برای اینکه نسل جوان ما او را نمی‌شناخت. با تلاش‌های خود در دوره انقلاب و شکنجه‌ای که شد، در ارزیابی سیاسی، خوب نیست که نسل جدید شناختی از او نداشته باشند و نتوانند از شخصیتش الگویی داشته باشند؛ بنابراین با تداوم همه این کارها با شیوه‌های نوین، جذاب و مبتکرانه، باید بتوانیم نسل جدید را با ویژگی‌های او آشنا کنیم تا تداوم راه نورانی‌اش باشد.

چقدر کاندیداتوری او در انتخابات ریاست‌جمهوری توانست مؤثر باشد؟

اصلاح یک رفتار، ایجاد تغییر در روش سیاسی و اصلاح قانون به صورت یکباره و یک‌شبه انجام نمی‌شود. استمرار پشتکار و شجاعت او که در این امر به کار برده بود، خودش هم می‌دانست که صلاحیتش تأیید نمی‌شود؛ ولی برای اینکه بتوانیم از رجال سیاسی و قانون اساسی یک تعریف درستی داشته باشیم، مسئولان را وادار کرد تا به این مسئله واکنش نشان دهند. حرکت جسورانه‌ای که انجام داد سبب شد که یک مطالبه جدی در سطح جامعه مطرح شود که حتی شورای نگهبان نسبت به آن اظهارنظر می‌کند. اگر در این دوره اثری نداشته باشد، اما به احتمال زیاد در دوره‌های بعد ترتیب اثر خواهند داد. این تابویی است که باید از تفسیر کلمه «رجال» شکسته شود. در مجلس خبرگان و قانون اساسی به‌صراحت درباره این موضوع بحث شده بود. شهید بهشتی برای برون‌رفت، از کلمه رجل سیاسی استفاده کرده بودند. تفسیر او از نظر دینی، مذهبی و سیاسی رجل در ادبیات دینی ما به عنوان شخصیت‌های بزرگ نام برده می‌شود. به نظر من راه و روش او در آینده جمهوری اسلامی ثبت خواهد شد.

> **فائزه هاشمی: نمی‌شود از ریاست‌جمهوری زنان حرف زد و از او یادی نکرد. طالقانی در هر دوره ریاست‌جمهوری، ثبت‌نام می‌کرد، نه برای اینکه رئیس‌جمهور شود، بلکه شورای نگهبان را به تفسیر درست، واقعی و طبق وظیفه قانونی‌اش در اصل ۱۱۵ قانون اساسی برای کلمه رجل سیاسی برساند. او در کنار فعالیت‌هایش خانواده را فراموش نکرد. همراهی‌ای که با خانواده داشت، باید دیده شود**

شما نامزد انتخابات آینده می‌شوید؟

اگر شورای نگهبان اعلام کند که تفسیرش از کلمه رجال فقط مردان نیست و منظور شخصیت‌ها و بزرگان سیاسی و مذهبی است، فکر می‌کنم خیلی از زنان شرکت می‌کنند.

آیا در صورت ورود یک زن اصولگرا به انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ از او حمایت می‌کنید؟

زن‌بودن برای ما ملاک تعیین‌کننده نیست. لازم است؛ ولی شرط کافی نیست. در انتخابات مجلس و شورا اعتقاد بر این بود که شایستگی، کارآمدی و صلاحیت ملاک اصلی است و تلاش بر این بود که در بین زنان آنها را شناسایی و معرفی کنند و در شرایط مساوی، خانم‌ها را ترجیح می‌دهم. صرف اینکه فقط یک زن است، آن را انتخاب نمی‌کنم؛ زیرا اداره مملکت و منافع ملی، هدف‌های مشترک و عالی ما است که همه ما در نظر داریم اما در ذیل مصلحت جامعه و به منافع ملی و کشور، حضور زنان را تعریف می‌کنیم. حضور زنان در سطر هدف‌های ما نیست و معتقدیم که منافع کشور باید در نظر گرفته شود.

فاطمه چهپور: اعظم طالقانی از قرآن فاصله نگرفت

چه مسائلی برای اعظم طالقانی خط قرمز بود؟

من قبل از انقلاب با خانواده طالقانی آشنا شدم. زمانی که در مدرسه علایی معاون بودم، او مدیر مدرسه بود. اعظم طالقانی خصوصیات مختلفی داشت. یکی از خصوصیات باارزش او، جذب افراد با هر عقیده‌ای در جمع‌هایی بود که در آن قرار می‌گرفت، جاذبه‌اش بیشتر از دافعه‌اش بود. با عقیده‌ای که با عقاید خودش در تضاد بود، مخالفت نمی‌کرد و کسی را نمی‌رنجاند. با منطق محبت و صحبت، جوان‌ها و افراد مخالف را جذب می‌کرد. هیچ‌گاه با جبهه‌گیری، افراد را از خودش دور نمی‌کرد. برای همه احترام قائل بود و اگر شخصی مخالف عقایدش بود، بیش از هر نظر، ظاهری و باطنی به او احترام می‌گذاشت.

از نظر مذهبی هم در طول عمرش با قرآن فاصله نگرفت. کلاس‌های تفسیر قرآن داشت و مطالعه درباره قرآن را روزبه‌روز بیشتر می‌کرد و عقایدش محکم‌تر می‌شد. از هیچ‌کدام از موضع‌های اسلامی که داشت، کنار نکشید، که مسئله بسیار مهمی تلقی می‌شد. این در حالی است که بسیاری از افراد در طول زندگی خود، تندروی‌هایی دارند؛ ولی بعد از سال‌ها عوض می‌شوند، اما در دوران زندگی طالقانی، تغییری نمی‌دیدیم اما او فرد صبوری در زندگی بود که بر روی عقایدش ماند و آن را حفظ کرد. در نشریه‌اش هم به هیچ عنوان از عقایدش کنار نرفت. او با رفتن به زندان، از لحاظ جسمی تحلیل رفت، کودکی بیمار داشت، اما با این اوصاف هم از اعتقاداتش پا پس نکشید. با اینکه بیمار بود؛ ولی تلاش شبانه‌روزی‌اش برای آگاهی مردم و جوان‌ترها و همچنین جذب آنها را رها نکرد.

بسیار نزدیک به افکار و اعتقادات پدرش می‌اندیشید. پدرش در میان ۱۰ فرزند خود، علاقه خاصی به او داشت، به همین دلیل هنگامی که اعظم خانم در زندان بود، ضربه روحی شدیدی به او وارد شد. فکر می‌کنم او با بچه‌های دیگر متفاوت بود.

گفته شده اعظم طالقانی در جوانی چادر نداشت... .

اعظم طالقانی برای من تعریف کرد که در خانه‌شان در شمیران، زمانی که دبیرستانی بودم و آقا خانه ما بود، به او گفتم: «نمی‌خواهم چادر سر کنم و این حجاب را قبول ندارم. چادرم را با قیچی تکه‌تکه کردم و گفتم چادر سر نمی‌کنم و با مانتو و روسری به مدرسه می‌روم». بعد از آن جریان، اعظم طالقانی گفت: «آقا با من صحبت کرد و قانعم کرد که چادر لباس سنتی ایرانی است و من را برای پوشیدن چادر قانع کرد».

حتی زمانی که در بیمارستان به خاطر سکته مغزی بستری بود، مراقب حجاب‌شان بودند. یک بار از آقا درباره حجاب و کامل‌بودنش پرسیدم، او گفت: «شما فکر کنید یک دانش‌آموز با نمره ۲۰ قبول می‌شود و یک دانش‌آموز با زیر ۱۰ تجدید. حجاب هم همین است و براساس حجاب نمره می‌گیرید». خانم طالقانی به من گفت: «بسیاری می‌گویند مراعات کنیم و طبق مصلحت صحبت کنیم؛ اما من این‌گونه نیستم. در چنین جلسه‌ای که این همه هزینه شده است و افراد بسیاری حضور دارند، چرا باید حقایق کتمان شود».

خاطره‌ای که من هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم این بود که قبل از انقلاب در مدرسه علایی معاون بودم. در آن زمان حجاب نبود. اتاق استراحت معاونان و معلمان جدا بود. چون من معاون بودم، هر آقایی که با همکاران کار داشت، می‌پرسیدم با چه کسی کار دارد. یک روز من و اعظم طالقانی در دفتر تنها نشسته بودیم که در اتاق را زدند. من پرسیدم کیست؟ آقای منوچهری که از مأموران ساواک بود گفت: «به خانم طالقانی بگویید تا برای پاسخ‌گویی به چند سؤال با ما همراه شود». آن زمان در جریان این مسائل نبودم؛ ولی خود طالقانی چون کار سیاسی می‌کرد، متوجه منظور آنها شد. لبخندزنان و خوشحال تمام مسائل مدرسه را به من گفت و کلیدها را به من داد. گفتم: فقط برای چند سؤال می‌روید. خوشحال گفت: «باید دید آن طرف چه خبر است». چون خیلی از هم‌رزم‌هایش زندان بودند و او را نگه داشتند. طالقانی دارای پشتکار و ثابت‌قدم بود. در رفتار و عقیده‌اش نیز همیشه ثابت بود و تغییر نکرد. او همانی بود که من ۴۰ سال پیش می‌شناختم و در عقایدش محکم‌تر نیز شده بود. تجربه‌اش بیشتر شده بود ولی عقایدش تغییر نکرده بود.

عاطفه علایی‌طالقانی: دغدغه مردم را داشت

چقدر دیدگاه‌های ایشان بر جامعه تأثیر داشته است؟

معتقدم اولین قدم برای تأثیر دیدگاه‌های یک شخص در اطرافیانش، اخلاق، رفتار و عمل‌کردن آن فرد به دیدگاه‌های خودش است. به این معنا که تا من عمل‌کننده نباشم، نمی‌توانم روی دیگران اثر بگذارم. این در حالی است که طالقانی در راستای عمل به دیدگاه‌های خود، گام‌های بسیاری برداشته بود. البته این امر به این معنی نیست که او فقط برای انجام کاری ادعا داشته باشد. طالقانی بیش از اینکه ادعا داشته باشد، عمل می‌کرد. دغدغه مردم را داشت و همین باعث می‌شد که مهرش در دل مردم بیفتد. معیشت جوان‌ها و اطرافیان، برایش بسیار مهم بود و درد مردم برایش درد بود. همان‌طور که افراد حاضر در مراسم ختم و تشییع جنازه‌اش بسیار زیاد بودند. همانند اینکه در آیه ۲۶ سوره آل‌عمران آمده است: «خداوند هر که را بخواهد، عزت می‌دهد و هرکس را بخواهد ذلیل می‌کند». طالقانی، رابطه‌اش با خدا را اصلاح کرده بود. برخلاف انتظار من، افراد بسیاری او را می‌شناختند و ابراز محبت می‌کردند. تا زمانی که او دار فانی را وداع گفت شخصی از همکاری ما در مدرسه اطلاعی نداشت.

ادامه در صفحه ۳

خبر

از سوی مقام معظم رهبری صورت گرفت

پیام تسلیت در پی درگذشت حجت‌الاسلام فاضلیان

● **پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری:** حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری با صدور پیامی درگذشت عالم بزرگوار حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدرضا فاضلیان را تسلیت گفتند. متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

درگذشت عالم بزرگوار جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سیدرضا فاضلیان رحمه‌الله علیه را به خاندان مکرم و به همه ارادتمندان ایشان به‌خصوص مردم مؤمن و انقلابی استان همدان تسلیت عرض می‌کنم. این روحانی انقلابی و مردمی در همه دوران‌های حساس انقلاب و دفاع مقدس، همچون پدری مهربان، جوان‌های مجاهد و فداکار را انگیزه و امید می‌بخشید و کانون‌های تحرک مردمی را گرم نگاه می‌داشت. در جایگاه امامت جمعه چه در همدان و چه در ملایر و نیز در جایگاه عالم دینی مقبول و محبوب مردم، همواره متصدی ارشاد و هدایت معنوی و سیاسی آنان بود. از خداوند برای آن مرحوم رحمت و رضوان و پاداش این زحمات را مسألت می‌نمایم.

حسن روحانی:

اهانت، جنگ با خداست

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور در جلسه هیئت دولت با تشکر از تفقد مقام معظم رهبری نسبت به دولت تأکید کرد: همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند متهم‌کردن یکدیگر و سخنان ناروا گفتن ربطی به نقد ندارد و به گفته پیامبر (ص) اگر کسی مؤمنی را مورد اهانت قرار دهد با خدا اعلام جنگ کرده و در واقع اهانت‌کردن، جنگ با خداست.

حسن روحانی صبح دیروز با اشاره به جلسه اخیر ستاد ملی مقابله با کرونا با حضور مقام معظم رهبری گفت: مقام معظم رهبری در این جلسه بر وحدت و انسجام اجتماعی تأکید کردند. ما در شرایط عادی نیستیم و حتی اگر در شرایط عادی بودیم و تحریم و کرونا هم نبود و مردم هیچ مشکلی نداشتند باز هم برای توسعه و پیشرفت جامعه به برادری نیاز داشتند.

او افزود: بی‌تردید در میان همه کسانی که در صحنه هستند چه در دولت و چه در قوای مقننه و قضائیه کسی نیست که بگوید من معصوم هستم و خطا ندارم و کار و عمل من قابل نقد نیست. مشورت با نخبگان و نیز دانشگاهیان و اهل نظر از افتخارات ماست و باید با هم شور کنیم و صدای هم را بشنویم. همه ما باید دل‌مان صاف و پاک باشد و گوش شنوا داشته باشیم. البته نقد لازم است اما خیلی مهم است که نقد برای چه باشد. نقد برای مشوش‌کردن افکار مردم، فاصله بین گروه‌های مختلف و تضعیف روحیه و امید مردم دیگر نقد نیست. این چه نقدی است که خوبی‌ها و نقاط قوت را اصلا نمی‌بیند و فقط نقاط ضعف را می‌بیند. اینکه اقدامات انجام‌شده توسط قوه مجریه را اصلا نبینند نقد نیست. نقد آن است که قوت و ضعف را با هم ببینیم و راهکار نشان دهیم. روحانی با تشکر از تفقد رهبری نسبت به دولت و رئیس‌جمهور، عنوان کرد: این اقدام رهبر انقلاب در این شرایط سخت بار مسئولیت ما را سنگین‌تر کرد. وقتی رهبر معظم انقلاب از قوه مجریه حمایت می‌کند ما باید بیشتر توجه کنیم که اگر مشکلی هست آن را حل کنیم و گره‌ها را باز کنیم. او همچنین در ادامه گفت: ما می‌دانیم و برای‌مان مشهود و ملموس است که مردم در سختی هستند. خیلی روشن است که وقتی ۵۰ میلیارد دلار درآمد از نفت بوده و دیگر نیست به مردم فشار می‌آید. ما در جنگ اقتصادی هستیم و معلوم است که در این جنگ زخمی هم خواهیم داشت و زندگی مردم با مشکل مواجه می‌شود اما همه تلاش ما کمترکردن مشکلات مردم است. من مطمئنم که این مسیر را هم با سربلندی و پیروزی به پایان می‌بریم و آمریکایی‌ها نمی‌توانند این وضعیت را ادامه دهند. این نفس‌های آخر تحریم‌های آمریکاست که به تحریم نفری و موردی رسیده است و البته ناچارند از این مسیر غلط دست بردارند.

حسین کروبی:

دکتر هاشمی برای چشم پدر لنز کار گذاشتند

● **مدارا:** حسین کروبی فرزند حجت‌الاسلام مهدی کروبی با اشاره به آخرین وضعیت جسمی پدرش بعد از عمل جراحی گفت: آقای کروبی بعد از عمل جراحی کمر که بر اثر زمین‌خوردگی ایشان انجام شد به منزل منتقل شدند و چند روزی است که فیزیوتراپی را هم شروع کرده‌اند. پزشک معالج ایشان، آقای دکتر میری از عمل صورت‌گرفته رضایت کامل داشتند و گفتند که سعی می‌کنیم ظرف چهار هفته با کم‌شدن درد کمر، آقای کروبی بتوانند راه بروند. او با اشاره به وضعیت چشم مهدی کروبی عنوان کرد: بعد از عمل جراحی کمر، چشمان آقای کروبی عفونت کرده بود که در این مدت ایشان را خیلی اذیت می‌کرد تا در نهایت دکتر قاضی‌زاده‌هاشمی وزیر سابق بهداشت ایشان را در منزل معاینه کردند. متأسفانه وضعیت چشم آقای کروبی بهبود پیدا نکرد و ایشان در نهایت به بیمارستان مراجعه کردند که دکتر هاشمی لنزی بر چشم آقای کروبی کار گذاشتند و گفتند که تا ۲۰ روز آینده به احتمال زیاد مشکل درد چشم پدر هم حل خواهد شد.